



شهادت رئیس مذهب شیعه  
امام جعفر صادق علیه السلام  
راتسلیت می گویم

چهارشنبه ۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ | ۱۶ صفحه | ۲۰ هزار تومان | سال چهارم | شماره ۲۶۸  
www.hammihaonline.ir



### از ورود به حوزه اجرا پرهیز کنید

تاکید رئیس جمهور  
خطاب به شورای عالی انقلاب فرهنگی



### فشار برای خلع سلاح

دبیرکل حزب الله لبنان  
خلع سلاح این گروه را خیال باطل می داند



### نویسنده ای که در غبار گم نشد

مروری بر زندگی و آثار تقی مدرسی  
که به ایران می اندیشید و به فارسی می نوشت



### ایران برای کدام ایرانیان؟

ارزیابی دوبینایی بر سر حوادث ارومیه و بررسی اختلافات ذیل تعریف ملت و اقوام

بررسی مفاد مقاله عباس عراقچی که در اندیشکده کارنگی ارائه نشد

# پیشنهاد همکاری هسته ای با آمریکا

امکان سرمایه گذاری یک تریلیون دلاری در گفت و گو با علی اکبر فرازی و عبدالرضا فرجی راد

نگاه هم میهن

## آب و تهران بی مرز



مهرداد خدیر  
معاون سردبیر

گفت و گو همکاران با سخن گوی صنعت آب که در شماره حاضر «هم میهن» درج شده، حاوی نکات قابل توجهی است. آقای بزرگزاده می گوید باید نگران آب تهران باشیم اما تأکید دارد این نگرانی نباید این گونه تفسیر شود که آرامش خود را از دست بدهیم. او حتی مخالف آن است که «اترازی آب» به معنی «ورشکستگی آب» تلقی شود چرا که ورشکستگی به معنی آن است که دیگر نمی شود کاری کرد در حالی که همچنان می توان کاری کرد و حتی از اصطلاح «جراحی» هم برای آب استفاده می کند. این یادداشت تماماً تخصصی نیست و تنها به قصد انگشتن گذاشتن بر یک قسمت آن است که آقای بزرگزاده می گویند: از دوران پرابی و متوسط آبی عبور کرده ایم. چرا؟ چون تهران بیش از حد بزرگ شده و تنها مناطق ۲۲ گانه از ۵ سد استفاده نمی کنند که سر به یک میلیارد و دویست میلیون متر مکعب در سال می زند بلکه با احتساب ورامین و بومهن و رودهن و پردیس به یک میلیارد و هشتصد میلیون متر مکعب می رسد. نکته مهم همین جا است. تهران تا کجای خواهد می تواند بزرگ شود؟ اعدام غلامرضا نیکپی، شهردار پیش از انقلاب به این اتهام که در جریان تخریب خانه هایی که خارج از محدوده ساخته شده بودند کسی یا کسانی کشته شدند بر خورد با ساخت وسازهای بیرون از محدوده رسمی را تا مدت ها به محاق برد و به تابلو تبدیل کرد. سال ۵۹ محمد توسلی شهردار وقت تهران که بعد از دولت موقت و در دولت شورای انقلاب هم در این مسئولیت باقی مانده بود، در صدد مقابله با ساخت وساز در منطقه خاک سفید برآمد ولی وزیر وقت کشور (مرحوم مهدوی کنی) در نامه ای پر خطاب و عتاب تصریح کرد نه دولت اکنون در دست طاغوت است و نه شما نیکپی هستید. شهردار ناچار دست کشید اما یاد آور شد به هر حال شهر بدون محدوده و مرز نمی شود و روزی خواهد رسید که دیر شده است. شهرداران بعدی هم برای تعیین محدوده به سهم خود کوشیدند اما تهران به دلایل مختلف مدام بزرگ و بزرگ تر شده است. هم به صورت عمودی و با افزایش طبقات و تعداد واحدها در یک پلاک ثبتی و هم به شکل افقی تا جایی که اگر از شمال و غرب به کوه محدود نشده بود معلوم نبود تا کجا گسترش می یافت. این واقعیت دیگر قابل انکار نیست که تأمین آب آب شهری به بزرگی تهران هر روز دشوارتر از روز قبل می شود و اگر امروز نخواهیم ناترازی را به ورشکستگی تعبیر کنیم روزی از این هم گریز و گزیر نخواهیم داشت. باین وصف می توان گفت بحث آب و وزارت نیرو و سدها یک طرف قضیه است و سوی دیگر ابر شهری است که هم افقی و هم عمودی توسعه پیدا کرده و شهرداری که خواسته یا ساخت وساز خارج از محدوده مقابله کند و زیر بار توسعه بی رویه تهران نرود با مشکل روبه رفته است. برای هر طرفی ظرفیتی تعیین می شود و آستانه مقاومت را در نظر می گیرند و کمابیش با اصطلاح «تولانس» آشنا هستیم که میزان مجاز انحراف از اندازه های پایه را در یک سازه نشان می دهد و معمولاً بین ۱۰ تا ۲۰ درصد است. اندازه مصرف مجاز آب در تهران یا اندازه پایه خود تهران چقدر است و تا چند درصد از دیاد و انحراف آن را می توان تحمل کرد. اینجا چون صحبت از آب است مسامحتاً می توان از اصطلاح تولانس آبی استفاده کرد اما از آمارها چنین بر می آید که کار از این حرف ها گذشته است و روداری در این فتره در زمره روداری های نویسنده نیست. نکته دیگر هم اینکه این روزها در تهران با تابلوهایی مواجهیم که دلایل دوست داشتن تهران را بر می شمارند: به خاطر چهره های ماندگار آن. به دلیل کافه ها یا محله های تاریخی و به علل دیگری که ذیل «به ایران دوستش داره» توضیح داده شده است. در کنار دوست داشتن تهران اما باید نگران آن هم بود. نگران آب تهران و عجلتاً شورای شهر یا شهردار یا حتی مقامات بالاتر باید پاسخ دهند تهران تا کجا می خواهد یا می تواند بزرگ شود و انحراف آن از محاسبات اولیه تا چه حد مجاز است؟ پاسخ این پرسش از مرتبه سراسری مهم تر است و اگر برای زلزله تهران توجه ها به «بزرگای آن است در قضیه آب باید برای «بزرگی» تهران تدبیری و حدیثی اندیشید.

# نگران تهران هستیم

گفت و گو با سخنگوی صنعت آب:

از متوسط آبی هم گذر کرده ایم چون تهران خیلی بزرگ شده است

مصاحبه اقتصاد ۱۰-۱۱

## سرمقاله

## سهوی بدتر از عمد

یکی از بدترین ضرباتی که رویکرد و ذهنیت تندرورها به جامعه ایران می زند ایجاد اغتشاش در معانی رفتار و کلمات است. خودشان هر خطایی مرتکب شوند در ۹۹ درصد موارد آن را خطا نمی دانند؛ در آن ۱ درصد هم که نتوانند توجیه کنند آن را سهوی معرفی می کنند و طلبکار هم می شوند و هیچگاه حاضر به مسئولیت پذیری و پشیمانی جدی این رفتارهای زیان بار خود نمی شوند. ماجرای که در صداوسیما رخ داد نمونه ای از این یک درصدهای استثنایی است. دیروز ویدیویی در فضای مجازی منتشر شد که مجری تلویزیونی در یک برنامه ساختگی و با استفاده از هوش مصنوعی در حال شوخی و استهزاء وزیر خارجه عربستان است. روزنامه نگاران و رسانه های آزاد دارند که موضوعات گوناگون را به صورت جدی یا شوخی نقد کنند و این قابل انکار نیست. ولی صداوسیما ایران رسانه صدرصد حکومتی است و نقش بلندگوی آن را ایفا می کند بنابراین از منظر بیرونی مواضع آن با سیاست های رسمی همسو تلقی می شود بنابراین انتشار چنین برنامه ای در شرایطی که ایران درگیر مذاکره برای حل مسائل هسته ای خود با آمریکا است و همزمان با همسایه ها در حال بازسازی روابط است و به طور مشخص این اتفاق پس از سفر وزیر دفاع عربستان و بهبود روابط ایران و عربستان رقم خورده است و همه هم را می دانند. پس عادی بودن این اتفاق پذیرفتنی نیست ولی شبکه تلویزیونی مربوط در اطلاعیه ای اعلام کرد: در یکی از برنامه های ضبطی بخش شده در شبکه نسیم در قالب طنز سیاسی برخی خطوط سیاسی درباره کشورهای همسایه مورد بی توجهی سهوی قرار گرفته بود که ضمن تذکر جدی به تیم تولید و تأکید بر لزوم توجه مستمر و جدی به سیاست های ابلاغی محتوایی با عوامل خطای برخورد انضباطی به عمل آمد. همه بحث درباره سهوی بودن است. چنین برنامه ای اگر سهوی باشد نشانه ناآگاهی مطلق سیاسی تهیه کننده و مجری و ناظر و همه دست اندکاران برنامه است؛ به ویژه که برنامه ضبط شده هم بوده است. پذیرش سهو در این کار مستلزم پذیرش یک نتیجه ساده است. آیا صداوسیما حاضر است این را بپذیرد؟ اگر بلی باید نسبت به ارزشمندی و اعتبار تولیدات و نیز اصل وجودی و کارایی این نیروها در آن رسانه شکل کرد. ولی به نظر می رسد که در حال دیگر بیشتر احتمال است. اول اینکه این برنامه عمدی نباشد ولی این نیروها به صورت پیش فرض ضد سیاست های جاری در عرصه خارجی هستند و لذا متوجه تبعات این برنامه هانمی شوند و تنها گمانی که برنامه بخش شده متوجه اثرات زیان بار و ضدمنافع ملی شده اند لذا افزای پوزش خواسته اند. پس این رویکرد در همه برنامه های آنان جاری و ساری است. حالت سهومی هم وجود دارد که دست اندکاران برنامه با علم و آگاهی آن را ساخته و بخش کرده اند فقط نمی دانستند که واکنش ها تند خواهد بود و آنان را مجبور به عقب نشینی می کند. برخلاف تصور مدیریت این شبکه صداوسیما که برنامه را سهوی دانسته و خواسته از پذیرش بار مسئولیت آن شانه خالی کند. باید گفت بدترین حالت سهوی بودن است. اگر برنامه زنده بود و کسی چیزی می گفت می توانستیم باور کنیم که سهوی است. ولی تولید یک برنامه با استفاده از هوش مصنوعی و دیدن دهها نفر پیش از بخش نهایی آن، اگر سهوی باشد نشان می دهد که کلیه دست اندکاران این برنامه و شبکه خارج از باغ هستند. مثل این است که یک مطلب کاملاً آشکار که خلاف منافع ملی است را چند روزنامه نگار تهیه کنند و تحویل دبیر سرویس دهند و او هم به سردبیر و شورای سردبیری و سپس مدیر مسئول بدهد و ویراستار و صفحه بند هم آن را بخواهند هیچ کس هم کوچکترین تذکری ندهد و ناظر حقوقی هم آن را تأیید کند بعد بگویم سهوی بود. شهامت و صراحت را اینجاها باید دید و آزمون کرد.

عکس: پرنیا قاسمی / ایسنا